

پارچه بافی سیسیل در دوره اسلامی

فریده طالب پور*

استاد گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۷/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۲۳)



چکیده

در سال ۲۱۲ هجری قمری / ۸۳۷ میلادی، سیسیل توسط اغلبیون مسلمان فتح گردید و به امارتی نیمه مستقل تبدیل شد. تاریخ سیسیل از زمان فتح مسلمانان تا فروپاشی آنان و آغاز تسلط نورمان ها به سه دوره تقسیم می شود: دوره اغلبیدی، فاطمی و کلبی. با ورود مسلمانان به سیسیل، صنایع آن رو به توسعه نهاد و از جمله پارچه بافی رونق گرفت. کارگاه های پارچه بافی با الگوبرداری از منسوجات اسلامی احداث گردید و در نتیجه اعراب مهاجم توانستند صنعت پارچه بافی پیشرفته ای را در آنجا پایه گذاری کنند. پژوهش حاضر بر این اصل شکل گرفته است که منسوجات سیسیل در دوره اسلامی از منسوجات فاطمیون مصر تأثیر پذیرفته است. لذا از طریق بررسی تاریخی و مقایسه نقوش منسوجات با موضوع مشترک، پارچه های این دو منطقه بررسی گردید. بر اساس نتایج به دست آمده، حضور بافندگان مسلمان در کارگاه های پارچه بافی سیسیل و نیز تجارت پارچه نقش مهمی در انتقال نقوش پارچه های فاطمیون به سیسیل داشته است. در این زمان، نقوش اسلامی و خط نوشته های عربی در تزئین منسوجات به کار می رفت. تداوم نقوش منسوجات فاطمی، مخصوصاً خط نوشته، از شیوه های متداول بافندگان مسلمانان بوده است که حتی بعد از حاکمیت نورمان ها در سیسیل ادامه می یابد و میزان زیادی از این منسوجات به کشورهای مسیحی غربی صادر می شود.

واژه های کلیدی

منسوجات سیسیل، منسوجات فاطمیون، طراز، مواد اولیه، نقوش.

مقدمه

گذاشت و این جزیره را به مرکز مهم پارچه بافی تبدیل کرد. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در مقالات فارسی، تا کنون به موضوع پارچه‌های سیسیل در دوره اسلامی پرداخته نشده است و پژوهش‌های انجام شده به موضوعات فرهنگی و تجاری آن تمدن اشاره دارند. برای نمونه می‌توان به مقاله‌ای که توسط اداک و طاهری (۱۳۹۰) با عنوان «تاثیر فرهنگ و تمدن صقلیه بر اروپا (قرن سوم تا نهم ه. ق.)» اشاره نمود که نویسندگان تاکید نموده‌اند که در دوره اسلامی، سیسیل به یکی از مراکز مهم فرهنگی و تمدنی جهان اسلام مبدل شده بود. فریود و سایرین (۱۳۸۷) در مقاله‌ای بیان نموده‌اند که منسوجات ایتالیا در قرن ۱۳/۷، از سبک اولیه بافت ابریشم‌های سیسیل که تحت تاثیر هنر ساسانی و اسلامی مصر بود، فاصله گرفته و تحت تاثیر پارچه‌های وارداتی از ایران در دوره ایلخانی قرار گرفته است که دوره مورد بررسی آنها، مربوط به حکمرانی نورمان‌ها می‌شود. در مقاله دیگری با عنوان «درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن» تالیف ماسوت که توسط فضل‌اللهی (۱۳۹۰) ترجمه شده است، به بررسی تاثیر فاطمیان بر سیسیل و ایتالیای جنوبی پرداخته و برخی از هنرهای آن دوره بررسی شده است. در کتاب انگلیسی با عنوان «*Symbols of Power*» (۲۰۱۵) نیز فقط در دو صفحه به توصیف شل معروف راجردوم پرداخته شده است.

در این مقاله، پارچه بافی در سیسیل در دوره اسلامی بررسی می‌شود و تاثیرپذیری آن از پارچه بافی فاطمیان مصر بیان می‌گردد. لذا مطالعه تطبیقی میان منسوجات فاطمیان و سیسیلی با مقایسه نقش مایه‌های منسوجات، انجام پذیرفته است. داده‌های مورد نیاز از منابع مکتوب کتاب‌ها، مقالات و پایگاه‌های اینترنتی جمع‌آوری شده است. در تحلیل نتایج نیز از شیوه توصیفی-تطبیقی استفاده شده است.

قدیمی‌ترین اقوام ساکن در جزیره سیسیل، اترسکان‌ها بودند. از قرن هشتم قبل از میلاد، یونانی‌ها به این جزیره مهاجرت نموده و با ساختن شهرهای جدید، سیسیل را به مرکز فرهنگ و تمدن یونانی در غرب تبدیل ساختند. پس از جنگ پونی^۱، حمله بیزانس به سیسیل در سال ۵۳۵ میلادی صورت گرفت و سپس این منطقه در سال ۲۱۲ هجری قمری/۸۳۷ میلادی، توسط اغلبیون تونس فتح گردید. سیسیل در این زمان به منطقه‌ای مرفه تبدیل شد و اندک اندک خود را از آفریقه^۲ جدا کرد و به امارتی نیمه‌مستقل تبدیل شد. در سال‌های ۳۶۴-۱۰۷۱/۹۰۹، دست‌نشانده دولت فاطمی حاکم بر مصر و شام، بر سیسیل حکمرانی می‌کرد و در سال‌های ۴۸۳-۱۰۹۱/۴۵۳-۱۰۶۱ حمله نورمان‌ها، تحت رهبری راجراول^۳ باعث شد که سیسیل تبدیل به بخشی از قلمرو پادشاهی ناپل گردد (رایس، ۱۳۸۱، ۹۲). سیسیل پس از درگیری‌های طولانی به دست نورمان‌ها افتاد و از نقشه جغرافیای اسلام محو شد (الحریری، ۱۳۷۱، ۲۰).

«صقلیه^۴»، عربی شده نام سیسیل می‌باشد که از نام یونانی آن «سیکلیا» گرفته شده است. امارت صقلیه، به دوران حکومت مسلمانان شیعه در جزیره سیسیل گفته می‌شود که طی سال‌های ۳۵۴ تا ۹۶۵/۴۶۴ تا ۱۰۷۲ به مرکزیت پالرمو^۵ وجود داشت. سیسیل به ناحیه غربی جهان پهناور اسلامی متعلق است و از قدیمی‌ترین مراکزی است که در آن تمدن‌های یونان، روم و اسلام با یکدیگر تلاقی کرده‌اند. زمانی که از تاثیر اسلام در غرب گفته می‌شود، سیسیل نیز سهم قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد (احمد، ۱۳۶۲، مقدمه).

یکی از ادواری که منجر به تحولات سیاسی، اجتماعی و توسعه هنر اسلامی در سیسیل شد، دوران حکومت فاطمیان در سیسیل است. گسترش دین اسلام در سیسیل، بر هنر و پارچه بافی آن تاثیر

حضور مسلمانان در سیسیل

اولین تهاجم دریایی مسلمانان به سیسیل در سال ۶۵۲/۳۱ توسط معاویه بن خدیج صورت گرفت که از طرف معاویه بن ابی‌سفیان به سرداری سپاه اسلام تعیین شده بود. این جنگ با به دست آوردن مقداری غنایم و تعدادی اسیر پایان یافت. مجدداً در سال ۷۲۷/۱۰۹، مسلمانان به فرماندهی بشر بن صفوان به این منطقه حمله کرده و عده زیادی را اسیر نمودند. در سال ۸۲۷/۲۱۲ با حمله مجدد مسلمانان، حاکم بیزانسی سیسیل تسلیم شد و حضور مسلمانان در آنجا گسترش یافت و به کشور مهمی با پایتختی پالرمو مبدل گشت (احمد، ۱۳۶۲، ۱۶). فاتحین سیسیل در قرن سوم/نهم، اغلبیون^۶ بودند که موفق شدند سیسیل را فتح نمایند و به دنبال آن مدت ۱۸۹ سال سیسیل، در اختیار مسلمانان قرار گرفت (لوبون، ۱۳۵۴، ۳۶۸).

در این دوره از تاریخ، سیسیل شاهد حکومت فاطمیان نیز در این منطقه می‌باشد. یکی از حکام پیشین این جزیره، به نام «علی بن احمد بن ابی‌الفوارس» که معزول شده بود، به جانبداری از فاطمیان پرداخت. او طرفداران بنی‌اغلب را درهم شکست و «اسحاق بن ابی‌منهال» را در پالرمو به نام مهدی، خطبه خواند و به این ترتیب حکومت فاطمیان در سیسیل رسماً برقرار شد (احمد، ۱۳۶۲، ۴۱). سیسیل دارای میراث فرهنگی مشترکی با شمال آفریقا بود، زیرا این شبه جزیره توسط حکمرانان بنی‌اغلب از بیزانس گرفته شده بود و تا زمانی که توسط فاطمیان برچیده شدند، بر آنجا حکومت می‌کردند (Bloom and Blair, 2009, 102). سیسیل و تونس در محل تقاطع راه‌های تجاری آن زمان قرار داشتند. تجار اروپایی که به دنبال تجارت کالاهایی همچون کتان،

با نقوش و نوشته‌های اسلامی به کشورهای مسیحی اروپایی صادر می‌شد (www.fibre2fashion/industry-article/2017).

اوج هنر اسلامی در سیسیل عمری کوتاه داشت و از اواسط قرن ۱۱/۵ که سلاطین نورمان فرمانروایی کردند، کار هنری چندانی انجام نشد (رایس، ۱۳۸۱، ۱۷۹). مستندات در خصوص تولید منسوجات سیسیلی در دوره تسلط اعراب موجود است که از زمان فاطمیان مصر آغاز گردیده و تا تسلط نورمان‌ها بر این منطقه ادامه داشته است (Mack, 2002, 28). سیسیل، ایالتی از امپراتوری بیزانس بود و جمعیت قابل توجهی یونانی داشت، لذا منسوجات دوره اسلامی آن، ترکیبی از نقش مایه‌های اسلامی و بیزانسی داشت، اما در هر صورت، تاثیر موضوعات اسلامی همواره بیشتر بوده است (www.fibre2fashion/industry-article/2017).

در زمان حکومت اعراب در قرن ۵-۱۱/۴-۱۰ در سیسیل پارچه‌های ابریشمی بافته می‌شد، اما نمونه‌های اندکی که بتوان آنها را به کارگاه‌های سیسیل نسبت داد، باقی مانده است. در زمان نورمان‌ها که از آداب و رسوم اعراب پیروی می‌کردند، صنعت نساجی و پارچه بافی در پالرمو توسعه یافت و کارگاه‌های طراز بافی به تقلید از مسلمانان در قرن ۱۲/۶ در پالرمو فعال شد که پارچه‌های ابریشمی و گلدوزی‌های اعلا در آنجا تهیه می‌گردید (دیماند، ۱۳۶۵، ۲۵۴). شیوه‌های صنعت بافندگی اسلامی تا مدت‌ها در حکومت مسیحی سیسیل رونق داشت و کارگاه‌های ابریشم بافی در کاخ پادشاه نورمان فعال بود. در این زمان سیسیل تولیدکننده ابریشم‌های تزئینی بود (ایروین، ۱۳۸۹، ۳۱۵).

متمایز نمودن بافته‌های ابریشمی سیسیل از منسوجات اسلامی و بیزانسی کار دشواری است. راجردوم، پادشاه سیسیل، در طی جنگ‌هایی که داشت، با الگوبرداری از پادشاهان ایران و خلفای اسلامی، بافته‌های ابریشم را در منطقه بیزانس و آتن اسیر کرده و آنها را در پالرمو و سیسیل اسکان داد. احتمالاً در مدتی که سیسیل تحت سیطره مسلمانان بود، بافت ابریشم و تولید آن، گسترش یافته بود (بولنوا، ۱۳۸۳، ۲۶۹). وی اولین کارگاه‌های ابریشم بافی را در پلوپونز^{۱۵} ایجاد کرد و با انتقال اسرای بافته به پالرمو، صنعت ابریشم بافی اروپا را پایه‌گذاری نمود (Lamont & Brown, 1992, 421). بر اساس مستندات موجود، اولین کارگاه ابریشم بافی نورمانی در سیسیل، توسط راجردوم در پالرمو در سال ۱۱۴۷/۵۴۲ تأسیس شد و بافندگان بیزانسی و گلدوزان مسلمان ساکن جزیره در تهیه اولین ابریشم‌های سیسیلی شرکت داشتند (Harris, 1995: 165). کاخ پلازو نورمانی^{۱۶} در پالرمو، در اطراف قصر فاطمی ساخته شده است و دارای کارگاه طراز سلطنتی بود. از سوی دیگر، منسوجات نفیس و مجلل به مقدار زیادی وارد سیسیل می‌شد که جزئیات واردات پارچه به پالرمو مستند شده است. اگرچه پارچه‌های متنوعی در سیسیل تولید می‌شد، اما مصرف پارچه‌های وارداتی خیلی بیشتر از پارچه‌های ساخت داخل بود و رونق تجارت با سایر کشورها، دسترسی به انواع پارچه‌های نفیس را ممکن می‌ساخت (Epstein, 1989, 142). کارخانه‌های پارچه بافی پالرمو در دوره اسلامی بسیار معروف بودند و حتی در دوره نورمان‌ها نیز به کار خود ادامه

منسوجات، شکر، ادویه و دارو بودند، بازارهای پالرمو و مازارا^{۱۷} در دسترسشان بود (Zairmeche, 2017). در سال ۱۰۶۰/۴۵۱، گروهی از نورمان‌ها^{۱۸} در راه بازگشت از زیارت بیت المقدس، به سالرنو^{۱۹} رسیدند که در محاصره مسلمانان بود. آنان مسلمانان را متواری کردند و به اراضی متعلق به بیزانس حمله کرده و کم‌کم قدرت آنان رو به افزایش گذاشت. در سال ۱۰۹۱/۴۸۳ نوتو^{۲۰}، آخرین شهر متعلق به مسلمانان در سیسیل، تسلیم گردید و فتح سیسیل به دست نورمان‌ها کامل شد (احمد، ۱۳۶۲، ۸۱).

در سازمان، القاب، مشاغل و تشریفات درباری نورمان‌ها، نفوذ مسلمانان بیش از نفوذ بیزانس بود. برای نمونه سه تن از پادشاهان سیسیل، القاب اسلامی برای خود انتخاب کرده بودند، مثلاً راجردوم^{۲۱} «المعتز بالله»، گیوم اول «الهادی بامرالله» و گیوم دوم لقب «المستعز بالله» را برگزیده بودند. اسناد و فرمان‌های درباری راجردوم به لاتینی، یونانی و عربی نوشته می‌شد و وی خود را «الملك المعظم القدیس» می‌نامید و بر روی سکه‌های او، به تقلید از خلفای فاطمی، عنوان اسلامی و هم چنین «ناصر النصرانیه»، لقب مسیحی او، به زبان عربی آورده می‌شد. جبه معروف راجردوم که طرازی^{۲۲} با خط کوفی همراه با تصاویر شیرهایی در حال حمله به شتران است، هم اکنون در موزه وین محفوظ است و از نوع جبه امیران شرق می‌باشد. در دوران او، نویسندگان مسیحی و مسلمان به نفوذ بارز فرهنگ اسلامی در دربار تاکید کرده‌اند (احمد، ۱۳۶۲، ۱۰۴).

تاریخ سیسیل، از ورود مسلمانان تا پایان فرمانروایی آنان و آغاز سلطه نورمان‌ها، به سه دوره مجزا؛ دوره اغلیبیدی، فاطمی و کلبی تقسیم می‌شود (Meri, 2006, 744). راجراول، پادشاه نورمان، آخرین پایگاه مسلمانان را در سیسیل برانداخت (محمدیان، ۱۳۹۲، ۲۶) و سپس حکومت این جزیره به پادشاهی مبدل گردید و به دنبال شورش‌های مسلمانان و تبعید آنان، دوره اسلامی در سیسیل به پایان رسید (ماسوت، ۱۳۹۰، ۱۵۱۷).

پارچه بافی در سیسیل

نفوذ نظامی مسلمانان به اروپا و حمله عبدالرحمن، خلیفه اموی، به اسپانیا و به دنبال آن تشکیل اندلس مسلمان، منجر به حضور مسلمانان در جنوب ایتالیا و سیسیل گردید (دونان و سایرین، ۱۳۸۳، ۳۱۴). استفاده از البسه مجلل و منسوجات نفیس در شرق و غرب نشانی از قدرت، اقتدار، ثروت و مقامات مذهبی بود. ارزش این اقلام تا حدی بود که از غنایم جنگی مهم محسوب می‌شد و بعضاً در ادوار تاریخی مختلف، به عنوان دستمزد جنگجویان به کار می‌رفت. تقاضای مستمر منسوجات گران بها، بستر مناسبی را برای مهاجرت هنر و هنرمندان و در نتیجه تغییرات هنری، فراهم نمود. در آن دوره سیسیل، یکی از مراکز مهم بافت منسوجات اسلامی به حساب می‌آمد. منسوجات سیسیل به شمال آفریقا و اروپا صادر می‌شد و به دلیل نفاست در دربارهای پادشاهان غرب، متقاضیان زیادی داشت. میزان انبوهی از منسوجات تولید شده در سیسیل،

برای خود حفظ نمودند. انحصار تجارت ابریشم از خاورمیانه در دست ایتالیایی‌ها بود و آنها از پارچه‌های شرقی تقلید می‌نمودند (بولنوا، ۱۳۸۳، ۲۷۹). لذا سیسیل و جنوب ایتالیا، نقش فعالی در انتقال سنت‌های بافت ابریشم‌های بیزانسی، ایرانی و اسلامی به مراکز تولید ابریشم در شمال ایتالیا داشتند (Mack, 2002, 28). سیسیل در اواخر قرن ۱۰/۴، مهم‌ترین تولیدکننده ابریشم خام و پارچه ابریشمی بود که به مقدار زیادی در ناحیه مدیترانه تجارت می‌شد (Zairmeche, 2017).

هم‌چنین سیسیل، به کشورهای شرقی منسوجات ابریشمی صادر می‌کرد. در قرن ۱۱/۵، کشتی‌های مملو از نخ و پارچه ابریشمی ارزان یا گران قیمت از سیسیل به سایر کشورها صادر می‌شد و ابریشم مصری فاطمیان نیز توسط تولیدکنندگان ابریشم سیسیل تامین می‌گردید. پارچه‌های ابریشمی با نوشته‌های اسلامی از طریق اندلس و سیسیل به اروپای مسیحی صادر می‌شد که منجر به ورود نوشته‌های عربی به کلیساها گردید. شایان ذکر است که تجارت ابریشم، تاثیر مهمی بر اقتصاد سیسیل داشت (Holloway, 2004, 165).

طراز سیسیل

با گسترش اسلام، مسلمانان تمام کارگاه‌های بافندگی بیزانس، مصر، بین‌النهرین و ایران را در دست گرفتند. تشکیلات طراز، صنعت تولید پارچه‌های ابریشمی را در این مناطق شکوفا نمود و منسوجات نفیسی با کیفیت بالا تولید شد. تهیه طراز اسلامی در سایر نقاط عالم اسلام انتشار یافت و جزیره سیسیل نیز از آن مستثنی نبود. در قرن ۱۰/۴، بازار طراز بر اساس صنعت پیشرفته نساجی در سیسیل پایه‌ریزی شد. نورمان‌ها هم از موقعیت مهم جزیره در تجارت مدیترانه آشنا بودند و منسوجات اسلامی با حاشیه طراز از طریق سیسیل به سایر کشورهای اروپایی راه یافت (Holloway, 2004, 142). صنعت بافندگی سیسیل، به دست حکمرانان آن شکوفا شد، تا جایی که تمایز میان پارچه‌های بافته شده در کارگاه‌های سیسیل و پارچه‌های بافت مصر، سوریه و اندلس دشوار است. صنعت بافندگی سیسیل در دوره نورمان‌ها نیز رونق زیادی داشت و کارگاه‌های بافندگی در قصر پادشاهی مستقر بود. در تزیینات پارچه‌های بافته شده در سیسیل، در این دوره، اقتباس از شیوه‌های تزیینی بیزانس نمایان است. این امر تاثیر بافندگان یونانی را نشان می‌دهد که راجردوم در یکی از تهاجمات دریایی آنها را اسیر کرده و در کارگاه‌های بافندگی قصر به کار گماشته بود و به آنان دستور داده بود تا شیوه‌های بافندگی یونانی را به سایرین آموزش دهند. لذا اسلوب بافندگی در سیسیل توسعه یافت تا جایی که کشتی‌های ونیزی به تجارت محصولات سیسیل و صادرات آنها در جهان مسیحی و میان صلیبی‌ها مشغول بودند (محمدحسن، ۱۳۸۲، ۱۲۵). فعالیت کارگاه‌های طراز عرب‌ها در سیسیل، بعد از غلبه نورمان‌ها هم ادامه یافت، منسوجات مصر به سیسیل وارد می‌شد و هم‌چنین منسوجات سیسیلی به مصر صادر می‌گردید.

دادند، اما نمونه‌های اندکی از آن دوره باقی مانده است. صنایع دستی و آثار هنری که در سیسیل به دست مسلمانان تولید می‌شد، به ایتالیا و اروپا راه می‌یافت. بهترین پارچه‌های ابریشمی و مخمل در کارگاه‌های نساجی سیسیل توسط بافندگان عرب تهیه می‌شد و لباس‌های زربفت و قلاب‌دوزی شده به سبک لباس خلفای عباسی، برای درباریان و اشراف سیسیل تهیه می‌گردید (اداک و طاهری، ۱۳۹۰، ۲۰).

پارچه مخمل یکی از منسوجات هنری است که در طول قرن‌ها در تهیه لباس، اثاث و پرده‌های کاخ‌ها به کار رفته است. این پارچه برای سرمایه‌داران و تاجران سیسیلی نیز منبع تولید ثروت بود و در شهرهایی مانند لوکا و فلورانس، تولید و به سایر نقاط جهان صادر می‌شد. برخی معتقدند که پارچه مخمل در ابتدا از ابریشم بود و برای اولین بار از شرق دور، توسط بازرگانان عرب به ایتالیا وارد شده و از طریق سیسیل، در کل اروپا گسترش یافته است. اولین مخمل‌های ایتالیایی در پالمو تحت تاثیر مخمل‌های شرقی تهیه شده و واژه عربی قطیفه^{۱۷} برای نام‌گذاری پارچه مخمل به کار رفته است. به نظر می‌رسد که این واژه از محلی که این نوع پارچه در آنجا تهیه می‌شد، اقتباس شده باشد. از سوی دیگر برخی معتقدند که در ایتالیا، پارچه مخمل نام خود را از ویژگی‌های ظاهریش اقتباس نموده است. در زبان ایتالیایی ولو^{۱۸} به معنای پرز و ولوتو^{۱۹} یا ولولت^{۲۰} به معنای پرزدار است (www.textileasart.com/weav-02-02-2017/ing.htm). نفوذ طرح‌های پیچیده منسوجات از اسپانیای مسلمان و سیسیل به ایتالیا و بقیه اروپا، بیانگر استفاده از دستگاه بافندگی نقشه‌بندی^{۲۱} در این مناطق است (Al-Hassan, 2001, 153).

مواد اولیه مورد مصرف در پارچه بافی سیسیل

کشت پنبه توسط مسلمانان در جنوب ایتالیا آغاز شد و شاید علت توسعه آن، محبوبیت منسوجات پنبه‌ای در نزد مسلمانان بوده است. الیاف کتان^{۲۲} (فلاکس) از الیاف بومی این منطقه بود، اما به علت رونق تولید پنبه، به تدریج جایگزین الیاف نساجی مدیترانه‌ای کتان شد. کتان سیسیل به طور گسترده‌ای تجارت نمی‌شد و لذا کمتر مورد توجه مورخان قرار گرفته است (Ep-stein, 1989, 152). تولیدات مواد اولیه سیسیل شامل پنبه، پشم، موی بز، کتان و ابریشم بود.

پس از فتح سیسیل، درخت توت و کرم ابریشم از تونس توسط بنی‌اغلب به این جزیره وارد شد و در پالمو گسترش یافت (Al-Hassan, 2001, 139). بافندگی ابریشم، اولین هنر تزیینی ایتالیا بود که با اقتباس از مدل‌های شرقی، توسعه زیادی یافت. در سال ۱۲۹۶/۶۹۵، نوغان‌داری در سیسیل رواج یافت و از لوکا به شهرهای ونیز، فلورانس، میلان و بولونیا منتقل شد. کارگران لوکا که در نتیجه جنگ داخلی از خانه‌هایشان رانده شده بودند، کارگاه‌هایشان را در این شهر برپا نمودند و از آن به بعد ایتالیایی‌ها انحصار تجارت ابریشم با فرانسه، آلمان و انگلستان را

طولانی دیده می‌شود که عبارت است از^{۲۳}: «این چیزی است که در کارگاه سلطنتی طراز بافته شده برای کسی که در کامیابی است و افتخار و کمال و ... و با این جمله تمام می‌شود: در شهر صقلیه- در سال ۱۱۳۳/۵۲۸». وجود کارگاه سلطنتی در قصر شاهی و این شنل در سیسیل، نشان‌دهنده صلح طلایی بین مسلمانان و مسیحیان در آن زمان است (Harris, 1995, 74). شکل نیم‌دایره‌ای جبهه، اسلامی نیست و احتمالاً غربی یا بیزانسی است. کیفیت نفیس، ارزش زیاد، تزئینات آن و وزن بسیار سنگین آن که بیش از ۵۰ کیلوگرم است، نشان می‌دهد که این جُبه در جشن‌ها پوشیده می‌شده و پوشنده آن در حالت نشسته یا ایستاده حرکت کمی داشته است. این جبه عالی راجر دوم، زیبایی متداول اسلامی را در سیسیل نورمانی نشان می‌دهد که در طی حدود دو قرن حکومت اعراب توسعه یافت و توسط مسیحیان آن منطقه اقتباس گردید (Mackie, 2015, 162).

جبه که با تزئینات بی‌نظیر و باشکوهی تهیه شده و هر بیننده‌ای را مسحور خود می‌نماید (محمدحسن، ۱۳۸۲، ۱۴۸)، اقتباسی از پارچه‌های فاطمیان مصر است (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۷۸، ۲۵۵) که نقوش آن از منسوجات دوره ساسانی ایران الهام گرفته شده است (گیرشمن، ۱۳۹۰، ۳۱۳). این قطعه عالی، زیبایی متداول اسلامی را در سیسیل نورمانی نشان می‌دهد. نقش شیر، نمادی از امپراتوری قدرتمند نورمان‌ها در سیسیل است. در بیشتر نقوش، شیرها غالباً در حال حمله به گاو هستند، اما اینجا شکار، شتر است. خط نوشته عربی حاوی دو نکته است: اول آرزوهای خوب به سبک حکام اسلامی و دوم اطلاعات ساخت بافته؛ شامل کارخانه، محل تولید و تاریخ تولید. این شیوه در طرازهای ساخت پالمو کاملاً شناخته شده بود (Mackie, 2015, 163).

این قطعه، تنها مدرک موجود دال بر طراز نورمانی-اسلامی نیست، بلکه جبه دیگری هم از جنس حریر سفید متعلق به گیوم دوم با حاشیه لوزی به رنگ ارغوانی و طلایی حاوی القاب وی موجود است که حاشیه‌دوزی آن به دو زبان لاتینی و عربی دیده می‌شود. کارگاه‌هایی که این سفارشات درباری را انجام می‌دادند به نام Palatio adhaerentes officinae خوانده می‌شدند و ظاهراً همان کاری را انجام می‌دادند که طراز در دوره فاطمیان انجام می‌داد (کونل، ۱۳۴۷، ۷۱).

از طریق شهرهای تجاری ایتالیا مانند جنووا^{۲۴}، پیزا^{۲۵} و ونیز^{۲۶}، نقش‌مایه‌های اسلامی در نقاشی ایتالیا هم وارد گردید. نقاشان، حروف عربی یا شبه عربی را برای تزئین در نقاشی‌های خود به‌کار بردند. در ایتالیا هنرمندان، احتمالاً از طریق واردات پارچه‌های حریر، چراغ و ظروف برنجی ممالک شرق با این نقش‌مایه‌ها آشنا شدند. نساجان ایتالیایی فن تولید حریرهای گران‌قیمت و طرح‌های آنها را از کارگاه‌های نورمانی-اسلامی که تقریباً به‌طور قطع وجود داشت، فراگرفتند. بی‌شک این سنت اسلامی، به‌ویژه از سال ۱۱۴۷/۵۴۲ که بافندگان یونانی طی یورش‌های نورمان‌ها در دریای اژه به اسارت درآمده و به سیسیل آورده شدند، با سبک بیزانس ترکیب شده است (احمد، ۱۳۶۲، ۱۶۳).

طرح و نقش منسوجات سیسیل

در نقوش پارچه‌های سیسیل، مکرراً نقوش ایرانی با ترکیب بندی متشکل از خطوط موازی همراه با نقوش جانوری و گیاهی دیده می‌شود (Dupon, 1989, 9). در سیسیل، در زمان نورمان‌ها یک کارخانه دولتی وجود داشت که پارچه‌های زربفتی تهیه می‌کرد که دارای طرح‌هایی از ابریشم برزمینه طلایی یا برعکس بود. البته در این نوع طرح‌ها، تأثیر هنر بیزانس بیش از نفوذ هنر اسلامی به چشم می‌خورد، زیرا این کارخانجات برای تهیه لباس‌های فاخر مذهبی غرب ایجاد شده بود. اغلب منسوجات باقیمانده سیسیل، منسوب به قرن ۱۲/۶ است. طرح‌های آنها اگرچه تا اندازه‌ای بیزانسی هستند، اما کاربرد خطوط عربی بر روی آنها واضح است. در این دوره، منسوجات الوان دو یا چند رنگ با طرح عقاب‌های جفت، طاووس، ببر و سایر حیوانات مانند دوره سلجوقی بسیار رایج بود. شکوفایی این صنعت تا قرن ۱۳/۷ ادامه یافت و در همین زمان، پارچه‌های زربفت و سیمین بافت لوکا و ونیز که اصل سیسیلی-عربی دارند، به‌وجود آمده است (کونل، ۱۳۴۷، ۷۲).

در تزئین منسوجات، نقش مایه‌هایی همچون طاووس، گوزن و آهو در میان شاخ و برگ درختان بسیار رایج بود. سوارکارانی که روی بازوی خویش یک باز نشانده‌اند نیز متداول بوده است که علیرغم استفاده از شیوه بیزانس، سبک این پارچه‌ها اساساً ایرانی و مدیون هنر ساسانی است. باشکوه‌ترین قطعه باقی‌مانده از این دوره، مربوط به شنل تاج‌گذاری است که در وین نگهداری می‌شود و بنا بر نوشته عربی روی آن، در سال ۱۱۳۳/۵۲۸ برای راجردوم در پالمو تهیه شده است (تصویر). اگرچه راجردوم، هنرمندانی که با روش بیزانسی در یونان کار می‌کردند را به سیسیل برده است، اما نقوش این شنل بیشتر اسلامی است تا بیزانسی. به این ترتیب که شتر و شیر که نقش مایه‌های اصلی آن است، شرقی بوده و کتیبه‌ای نیز به خط کوفی دارد. این نقوش روی پارچه گلدوزی شده است، اما نمایش طرح، نزدیک به پارچه‌های بافته شده از ابریشم است و درندگانی که در حالت تعادل روبروی یکدیگر قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که در کارگاه‌های پارچه‌بافی سلطنتی تولید شده است (رایس، ۱۳۸۱، ۱۷۶).

طرح شنل، از موضوعات کهن بین‌النهرین و رنگ آن قرمز است که با نخ‌های ابریشمی رنگی گلدوزی شده و دو ردیف مروارید بر لبه خارجی آن دوخته شده است. در لبه شنل، یک خط کوفی



تصویر- شنل راجردوم، سیسیل. ماخذ: (Mackie, 2015, 164).

تأثیر فاطمیان بر پارچه‌بافی سیسیل

تصور کردن هنر اسلامی سیسیل چندان آسان نیست و تعیین دقیق سهم اسلامی، یعنی اغلیبه و فاطمیان، در شکوفایی آن غیرممکن است. سیسیل در دوره حکومت مسلمانان بیش از ۲۰۰ سال تحت سیطره آنان بود و تقریباً هیچ یک بناهای این دوران باقی نمانده است. تنها بناهای باقیمانده، مسجد کوچکی در پالمو و پایه‌های کاخ فواره و اقامتگاهی است که حوالی سال ۱۰۰۰/۳۹۰ ساخته شده است. در کاخ سلطنتی، دفاتر مهم اجرایی و هم‌چنین کارگاه‌های تولید منسوجات، که شهرت فراوانی داشتند، قرار داشت. شاهزادگان نورمانی نیز همچون امیران و سلاطین مسلمان پیش از خود، اندیشمندان و محققانی نظیر الادریسی را به دور خود گرد آوردند. غیر از طرازهای پالمو، اطلاعاتی در خصوص وجود کارگاه‌های بومی یا وارداتی طراز در این دوران نیست، اما احتمالاً زمانی که اسلام حضور مقتدرانه‌ای بر این جزیره داشت، کارگاه‌هایی در این منطقه تاسیس شده بود که هنرمندان و صنعتگران بسیاری به مدت دو قرن در آنها تعلیم دیدند.

هنرمندان فاطمی، زیبایی تزیینات منسوجات را به کمال رساندند و هماهنگی رنگ‌ها را کامل نمودند. منسوجات فاطمی دارای طرح‌های جانوری، انواع پرندگان، طرح‌های برگ‌نخلی، طوماری و اشکال هندسی است (محمدحسن، ۱۳۸۲، ۱۲۵). از ویژگی‌های پارچه‌بافی این دوره، به‌کارگیری نخ‌های طلایی در بافته‌ها است که این نوع منسوجات برای کارگزاران حکومتی بافته می‌شد. کتابت کوفی بر روی منسوجات، در ابتدا به اسلوب دوره عباسی بود و منسوجات فاطمی در قرن ۱۲/۶ با همان سبک قرن ۱۱/۵ تولید می‌شد، اما به تدریج خط نسخ، جای خط کوفی را گرفت. حروف نسخ با اشکال توریقی ترکیب گردید. در این دوره، نوع جدیدی از حروف کوفی به نام «کوفی مشجر» به‌کار رفت که انتهای بعضی حروف به اشکال نباتی و برگ‌نخلی ختم می‌شد (دیماند، ۱۳۶۵، ۲۳۷). در اواخر این عصر، به تدریج خط نسخ، جای خط کوفی را در کتیبه‌نویسی بر روی پارچه گرفت و با اشکال و نقش‌مایه‌های گیاهی (اسلیمی و ختایی) ترکیب شد.

تزیینات بافته‌های دوره فاطمی عبارت است از:

۱. تزیینات نواری و نوشته‌دار: در این نوارها ترنج‌های شش‌گوش، بیضی یا لوزی شکلی از خطوط موجود است که با تصویر حیوان یا پرند یا دو حیوان یا دو پرند روبه‌روی هم یا پشت به هم پر شده است.
۲. ظهور عناصر جدید در طراحی: در کنار نگاره‌های قدیمی، عناصر جدیدی ظهور نمود، از جمله به‌کارگرفتن شکل ترنج‌ها در تزیینات، کاهش یافت و شبکه‌هایی از نوارهای متداخل جای آن را گرفت. بافته‌ها بالوزی‌های کوچکی تزیین یافتند و رنگ‌هایشان در یکدیگر آمیخته شد و به طریقی قرار گرفتند که بیننده نقوش را برجسته می‌دید.
۳. در قرن ۱۲/۶، رنگ آبی تیره متداول شد و حروف کوفی انحنا یافتند تا حروف نسخ از آنها به‌وجود آید. در تزیینات، شاخه‌های گیاهان و حروف دایره‌ای شکلی که خوانده نمی‌شد و تنها هدف

تزیینی داشتند، به‌کار رفت.

در میان عناصر تزیینی منسوجات فاطمی، تحولاتی در شکل حروف دیده می‌شود. ویژگی خطوط به نحوی است که نمی‌توان آنها را خواند و تنها کاربرد تزیینی یافته‌اند. تصاویر حیوانات و پرندگان، که گاهی به حد اعلا‌ی زیبایی می‌رسد و طبیعت به تصویر کشیده می‌شود، به صورت تصاویر تجریدی آراسته‌ای، بدل می‌شود که دیگر شکل طبیعی را به درستی نشان نمی‌دهد (محمدحسن، ۱۳۸۲، ۱۲۶).

تحلیل جدول نقوش پارچه‌های فاطمی و سیسیلی

در جدول ۱، برخی از نقوش مشترکی که در منسوجات سیسیل در دوره اسلامی و فاطمیان وجود دارد، آورده شده است. قابل ذکر است که وجود تعداد اندک پارچه‌های سیسیلی، مطالعه نقوش مشترک آنها را با دشواری روبرو می‌سازد. مقایسه تطبیقی نقوش منسوجات سیسیلی با فاطمی نشان می‌دهد که کاربرد خط و نوشته عربی در آنها تحت تأثیر منسوجات فاطمی، به ویژه پارچه طراز بوده است. حکمرانان مسلمان در سیسیل، تشکیلات طراز و طرازخانه را در قصرهای خلافتی خود برپا نمودند. در این کارگاه‌های سلطنتی، بافندگان مسلمان برای استفاده دربار، پارچه طراز می‌بافتند و از خط عربی در تزیین آن استفاده می‌کردند. تداوم این شیوه بافندگی در جبهه راجر دوم نیز قابل مشاهده است.

نقوش محصور در دایره و نوارهایی با عرض‌های گوناگون که با نقش پرندگان و حیوانات تزیین شده‌اند، از ویژگی‌های ساختاری پارچه‌های فاطمی هستند. در ترکیب بندی پارچه‌های سیسیلی نیز خطوط موازی متشکل از نقوش هندسی، جانوری، گیاهی و خط دیده می‌شود که تحت تأثیر تزیینات نواری و نوشته‌دار فاطمی است. یکی دیگر از شیوه‌های تزیین پارچه‌های فاطمی استفاده از شبکه لوزی‌های کوچک درهم تنیده است که نشانه دیگری از تأثیر بر نقوش پارچه‌های سیسیلی است. ساختار نقش دو حیوان مانند بز، رو به درخت زندگی، ریشه‌ای بسیار کهن در سنت‌های ساسانی دارد. این شیوه تزیینی نشانه تأثیرپذیری منسوجات سیسیل از منسوجات فاطمی است که در آنها به‌وفور از این نقوش استفاده نموده‌اند. شایان ذکر است که با گسترش اسلام، مسلمانان سنت‌های بافندگی ایران ساسانی را اقتباس نمودند و در پهنه جهان اسلام به صورت یکی از عناصر تزیینی منسوجات در آمد.

در منسوجات هر دو تمدن می‌توان به کاربرد نقوشی اشاره نمود که احتمالاً دارای بنیادی شرقی هستند. نقش حیواناتی نظیر شیر که نمادی از امپراتوری قدرتمند حکومت است، در منسوجات هر دو تمدن دیده می‌شود. هم‌چنین نقش عقاب که به صورت منفرد یا قرینه و گاهی با بال‌های گشوده در تزیین منسوجات استفاده شده است، نشانه قدرت و حیات در هنر ساسانی است که در تزیین پارچه‌های فاطمی و سیسیل دیده می‌شود.

جدول ۱- نقوش منسوجات فاطمی و سیسیلی.

نمونه پارچه فاطمی	مشخصات پارچه	جزئیات نقوش	نمونه پارچه سیسیلی	مشخصات پارچه	جزئیات نقوش
	نقش پرند بر زمینه طلایی، قرن ۱۱ م.، بافت ساده Mackie, 2015, 116	پارچه مرکب از نقش مایه عقاب با بال‌های گشوده در زمینه طلایی است که داخل مدالیون دایره‌ای قرار دارد.		پارچه ایریشم قرن ۱۲ م. Hopper, Textile Blog	پارچه با نقش دو عقاب با بال‌های گشوده و مقابل هم که در طرفین تریخ مخروطی قرار گرفته‌اند.
	قطعه‌ای از طراز با بافت ساده و تاپستری، قرن ۱۱ م. Mackie, 2015, 101	اشکال قلبی شکل که درون آنها طرح درخت زندگی از نخ طلایی وجود دارد.		پارچه سیسیلی با نقوش مرکب، قرن ۱۲ م. Glazier, 2007, 160	نقش مایه‌های دو بز مقابل که وسط آنها درخت زندگی قرار دارد با نقش دو طاووس پشت به هم و همراه با کتیبه
	قطعه‌ای از طراز با بافت ساده و تاپستری، قرن ۱۱ م. Mackie, 2015, 102	نقش خط با بافت تاپستری روی آستین لباس		پارچه زربفت، قرن ۱۲ م. Pinterest.com/Fiber2 fashion	پارچه راه راه با نقش خط نوشته همراه با نقوش گیاهی و هندسی
	پارچه کتان با بافت کجراه، قرن ۱۱ م. Mackie, 2015, 81	نقوش لوزی‌های متداخل		ردایی برای انجام نیایش، پالمو، 1181 م.، وین، موزه Kunsthistorisches ماسوت، ۱۳۹۰، ۱۵۲۹	نقوش لوزی‌های مرکب
	پارچه کتان چاپ شده قرن ۱۰ م. Metropolitan Museum of Art	نقش شیر که به صورت تکرار در زمینه پارچه چاپ شده است.		شنل تاج‌گذاری راجر دوم که در وین نگاهداری می‌شود. Mackie, 2015, 164	صحنه حمله شیر به شتر به صورت پشت به هم، همراه با درخت زندگی
	قسمت تزئینی یک شال، قرن ۱۰ م. بافت تاپستری Mackie, 2015, 90	ردیف شتران الوان که با نقوش هندسی عمودی از هم جدا می‌شوند.		شنل تاج‌گذاری راجر دوم که در وین نگاهداری می‌شود. Mackie, 2015, 163	نقش شتر در چنگال شیر
	طراز زربفت، قرن ۱۱ م.، بافت ساده و تاپستری Mackie, 015, 104	نقش بزهای متقابل که درخت زندگی در وسط آنها قرار دارد. کاربرد خط هم دیده می‌شود.		پارچه سیسیلی با نقوش مرکب، قرن ۱۲ م. Glazier, 2007, 160	نقش بزهای متقابل با سرهای برگشته که درخت زندگی در وسط آنان قرار دارد.

نتیجه

در سیسیل، بافندگان پارچه‌هایی تولید می‌کردند که نقوش فاطمیان در آنها دیده می‌شود. از مهم‌ترین آنها نقوش محصور در دایره، نوارهایی با عرض‌های گوناگون که با نقش پرنده‌گان و حیوانات تزئین شده‌اند، می‌باشد. بافتن آیات قرآن با خط عربی کوفی و نوشتن نام حکمران مسلمان در منسوجات، بر کاربرد خط عربی در پارچه‌های سیسیلی صحنه می‌گذارد. استفاده از نقوش اسلامی در تهیه منسوجات سیسیل، حتی بعد از غلبه نورمان‌ها بر مسلمانان، ادامه می‌یابد و راجر دوم، پادشاه نورمانی، بستر اجتماعی مناسبی ایجاد می‌کند که بافندگان مسلمان در کنار مسیحیان کار و زندگی کنند و به این ترتیب امکان به‌کارگیری نقوش اسلامی در دربار نورمان ادامه می‌یابد. اما با نابودی نورمان‌ها، پارچه بافی سیسیل نیز رو به اضمحلال می‌گذارد.

موقعیت جغرافیایی سیسیل مسلمان، منجر به تأثیرپذیری هنر آن، از شرق و غرب گردید. قبل از فتح عرب‌ها، این منطقه، یک ایالت بیزانسی بود و بافندگان آن از شیوه‌های بیزانس پیروی می‌کردند. فتح سیسیل و ایجاد ارتباط تجاری با جهان اسلام، تأثیر زیادی بر فرهنگ و صنایع آن در طی ۲۰۰ سال گذاشت. سیسیل در تولید منسوجات خود در دوره اسلامی معروف بوده و بیشتر منسوجات آن تحت تأثیر نقش مایه‌های اسلامی قرار گرفته است. خلافت فاطمی، نیروی قدرتمندی بود که از حکومت دست‌نشانده سیسیل حمایت می‌کرد. متمایز نمودن پارچه‌های سیسیل از منسوجات فاطمی دشوار است، زیرا همان شیوه‌هایی که هنرمندان فاطمی برای تهیه پارچه‌های نفیس استفاده می‌کردند، توسط هنرمندان در سیسیل نیز به‌کار می‌رفت.

پی‌نوشت‌ها

۲ این جنگ‌ها در پی حمله رومی‌ها برای تصاحب جزیره سیسیل انجام شد (Lambert, 2002).

۱ Etruscan: قبایل بومی مدیترانه که از سال ۷۵۰ تا ۱۰۰ ق.م. ساکن سیسیل بودند (Hambin, 1975, 9).

رایس، دیوید تالبوت (۱۳۸۱)، *هنر اسلامی*، ترجمه ماه ملک بهار، چاپ سوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

طالب‌پور، فریده (۱۳۹۵)، *تاریخ پارچه و نساجی در ایران*، دانشگاه الزهراء (س) و مرکب سپید، تهران.

فریود، فریناز، خزایی، محمد و زهرا رهنورد (۱۳۸۷)، بررسی منسوجات ایران دوره ایلخانی و منسوجات ایتالیا در قرون هفتم و هشتم هجری قمری / سیزدهم و چهاردهم میلادی (از منظر طراحی نقش)، *هنرهای زیبا*، شماره ۳۶، صص ۱۲۲-۱۱۱.

کونل، ارنست (۱۳۶۸)، *هنر اسلامی*، مترجم هوشنگ طاهری، مولی، تهران.

گیرشمن، رومان (۱۳۹۰)، *هنر ایران در دوره پارتی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، علمی و فرهنگی، تهران.

لوبون، گوستاو (۱۳۵۴)، *تاریخ تمدن اسلام و غرب*، ترجمه سیدهاشم حسین، کتاب‌فروشی اسلامی، تهران.

ماسوت، سبیل (۱۳۹۰)، *درخشش دربار فاطمیان و تنوع فرهنگی آن*، ترجمه صفورا فضل‌اللهی، پیام بهارستان، سال ۴، شماره ۱۴. قابل دریافت در <http://www.ical.ir>.

محمدحسن، زکی (۱۳۸۲)، *گنجینه‌های فاطمیین*، مترجم ندا کلیجانی مقدم، دانشگاه الزهراء (س)، تهران.

محمدیان، فرهاد (۱۳۹۲)، *سیسل در دوره فرمانروایی مسلمانان*، فصلنامه رشد آموزش تاریخ، شماره ۵۰، صص ۳۱-۲۶.

Al-Hassan, A.Y (2001), *Science and Technology in Islam: Technology and applied science*, UNESCO Publishing.

Bloom, J.M and S.S. Blair (2009), *The Grove Encyclopedia of Islamic Art and Architecture*, Oxford University Press, U.K.

Dupon, M., Auberville (1987), *Classic Textile Designs*, Bracken Books, London.

Epstein, S.R (1989), *The Textile industry and the foreign cloth trade in late medieval Sicily (1300-1500)- "A colonial relationship?"*, *Journal of Medieval History*, 15, pp.141-183.

Glazier, Richard (2007), *A manual of historic ornament: treating upon the evolution, tradition, and development of architecture & the applied arts*, B.T. Batsford Ltd, London.

Hambin, D.J (1975), *The Etruscans*, Timelife Book, New York.

Harris, J (1993), *5000 Years of Textiles*, British Museum Press, London.

Holloway, R. Ross (2004), *The Archaeology of Ancient Sicily*, Taylor & Francis, U.K..

Lambert, Tim (2002), *A Brief History of Italy*, <http://localhistories.org> (accessed 2017/04/05).

Lamont, Brown & Peter Brown (1992), *Power and persuasion in late antiquity: Towards a Christian Empire*, University of Wisconsin Press, Wisconsin.

Mack, Roseamond E (2002), *Bazzart to Piazza*, University of California Press, Los Angeles.

Mackie, L.W (2015), *Symbols of power- Luxury textiles from Islamic lands, 7th-21st century*, Yale University press, USA.

Meri, J.W & Bacharach, J. L (2006), *Medival Islamic Civilization: An encyclopedia*, Routledge, New York.

Zairmeche, Salah (2017), *Sicily under Islamic Rule*, <http://www.muslimheritage/article/Sicily-under-Islamic-rule/> accessed 2017.05.11.

<http://www.fibre2fashion/industry-article/Medieval-Sicilian-Textiles/> accessed 2017.05.11.

<http://www.textilesart.com/weaving.htm/> accessed 2017-02-02, Italian Velvet History: Textile images.

<http://textile-blog.com.Hopper, John/> accessed 2017.05.11.

<http://www.Pinterest.com/Fiber2fashion/> accessed 2017.05.11.

۳ در دوران میانی اسلام شامل لیبی، تونس و الجزیره بود (ماسوت، ۱۳۹۰، ۱۵۱۴).

4 Roger II.

5 Imarat Siqilliyya.

6 Sikelia.

7 Palermo.

۸ سلسله‌ای از حکمرانان آفریقا در زمان خلافت عباسی که بر سرزمین‌های تونس و مراکش فرمانروایی می‌کردند و مرکز آنها قیروان بود (دهخدا، ۱۳۴۶، الف ۱۳: ۳۰۲۴).

9 Mazara.

۱۰ نورمان‌ها از ساکنان بومی اسکاندیناوی و دانمارک بودند که به دریانوردی و جنگاوری شهرت داشتند و بارها به سرزمین اصلی اروپا هجوم آوردند و در همانجا ماندگار شدند.

11 Salerno.

12 Noto.

۱۳ Roger II: حکومت (۵۴۹-۴۸۸/۱۱۵۲-۱۰۹۵) (اداک و طاهری، ۱۳۹۰، ۹).

۱۴ طراز: پارچه‌ای نفیس که نوارهایی از نوشته‌ها با نخ‌های طلا و نقره روی آن بافته یا سوزن‌دوزی می‌شد (طالب‌پور، ۱۳۹۵، ۷۲).

۱۵ Peloponnesus- شبه جزیره بزرگ در جنوب یونان.

16 Plazzo Normani.

17 Kathifet.

18 Vello.

19 Velluto.

20 Velvet.

۲۱ Draw Loom: در این ماشین بافندگی، محدودیت وجود ندارد، در نتیجه برای بافتن طرح‌ها و نقشه‌ها و تصاویر بسیار بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد و هر نخ را می‌توان با توجه به مکانیزم مخصوصی حرکت داد (طالب‌پور، ۱۳۹۵، ۱۴).

22 Flax.

۲۳ متن کامل ترجمه: این چیزی است که در کارگاه سلطنتی بافته شده است. پراز شادی، افتخار، بخت خوب، کمال، زندگی طولانی، ثروت، کامیابی، سخاوت، شکوه، افتخار، خواسته‌ها و امیدها، خوشی روزها و شب‌ها، بدون پایان یا تغییر، ممکن، با مراتب محافظت، موفقیت، پیروزی و کافی- در شهر صقلیه در سال ۵۲۸.

24 Genoa.

25 Pisa.

26 Venice.

فهرست منابع

اتینگهاوزن، ریچارد و الک گرابر (۱۳۷۸)، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، سمت، تهران.

احمد، عزیز (۱۳۶۲)، *تاریخ سیسیل در دوره اسلامی*، مترجم نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

اداک، صابر و طاهری، مهدی (۱۳۹۰)، *تأثیر فرهنگ و تمدن صقلیه بر اروپا (قرن‌های سوم تا پنجم ه.ق)*، مسکویه، سال ۶، شماره ۱۸، صص ۲۲-۷.

الحریری، احمد بن علی (۱۳۷۱)، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، مترجم عبدالله نصری طلائی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

ایروین، روبرت (۱۳۸۹)، *هنر اسلامی*، ترجمه رویا آزادفر، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی و سوره مهر، تهران.

بولنوا، اوس (۱۳۸۳)، *راه ابریشم*، ترجمه ملک ناصر نوبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

دونان و سایرین (۱۳۸۳)، *تاریخ جهان لاروس*، جلد اول، ترجمه امیرجلال اعلم، سروش، تهران.

دیماند، موریس اسون (۱۳۶۵)، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار، علمی و فرهنگی، تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین، الف-۱۳، دانشگاه تهران، تهران.